

نقش مدرسه در پیشگیری از ناهنجاری های اجتماعی دانش آموزان

سقاوت حاج پور سهریق^۱، زهرا حاج پور سهریق^۲، حسین حاج پور سهریق^۳

^۱لیسانس ادبیات فارسی از دانشگاه فرهنگیان پردیس علامه امینی تبریز

^۲فوق لیسانس مدیریت آموزشی از دانشگاه پیام نور تبریز

^۳فوق لیسانس مدیریت آموزشی دانشگاه پیام نور تبریز

چکیده

ناهنجاریهای اجتماعی از جمله عواملی است که بتدریج نظم اجتماعی را مختل می سازد. بنابراین شناخت میزان و علل ناهنجاریها در هر اجتماعی می تواند در تصحیح روند جامعه پذیری و نظم اجتماعی موثر باشد. تحقیقات متعدد نشان دهنده این است که عوامل مختلف فردی و اجتماعی در بروز ناهنجاریها موثرند. از جمله این عوامل میتوان به موارد زیر اشاره کرد: به نقش هنجارهای فرهنگی، روابط اجتماعی، گروههای همسالان، دیگران مهم، زندگی در خیابان، و وقت گذراندن در سر کوچه و محله، تضعیف کنترل اجتماعی غیر رسمی، ارزشهای بی حد و حصر، تعارضات والدین و فرزندان، ناسازگاری والدین، پایگاه اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی خانواده، سطح تحصیلات خانواده، دلبستگی جوانان به دوستان بزهکار خود، بیکاری و.... با توجه به این مطالب تحقیق حاضر بدنبال بررسی میزان ناهنجاریهای رفتاری نوجوانان در محیطهای آموزشی و غیر آموزشی بوده و نیز در پی شناخت ویژگیهای محیط های اجتماعی که نوجوانان با آنها در ارتباط هستند، می باشد تا از این طریق به تبیین عوامل تاثیر گذار بر ناهنجاریهای اجتماعی دانش آموزان بپردازد.

واژه های کلیدی: پیشگیری، ناهنجاری، دانش آموزان، مدرسه

مقدمه:

ناهنجاری‌های اجتماعی یکی از مظاهر مدنیت و اجتماعی زیستن است. بدیهی است در جایی که جمعی با یکدیگر زندگی می‌کنند، بحث درباره ناهنجاری‌های اجتماعی نیز وجود خواهد داشت و ناهنجاری‌های اجتماعی زاده محیط اجتماعی است. اگر محیط اجتماعی با شکل‌گیری روابط اجتماعی درست و ایجاد ساخت هماهنگ و موزون بین خواسته‌ها و امکانات و بین وسیله‌ها و هدف‌ها رابطه برقرار کند و فرهنگ جامعه را برای شکل‌گیری چنین زمینه‌ای به کار گیرد، رفتار افراد جامعه به طرف تحقق خواسته‌های سیستم اجتماعی و افراد سوق داده می‌شود. ناهنجاری‌های اجتماعی آن دسته از انحرافات اجتماعی هستند که عرف جامعه آنها را انحراف از هنجارها تلقی می‌کند؛ اما قوانین مکتوب، آنها را جزء مصادیق جرم و مستوجب کیفر تلقی نکرده است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۳۷). کثرت رفتار اجتماعی به فردی اطلاق می‌شود که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی موجود در جامعه محل فعالیت کنشگر قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین، با منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۵). درواقع، افراد هم‌نوا با هنجارها و ارزش‌های جامعه، بهنجار و افرادی که هم‌نوا نباشند، ناهنجار نامیده می‌شوند و از میان افراد ناهنجار، کسی که رفتار ناهنجاریش زودگذر نباشد و دیرگاهی دوام بیاورد، کثرت رفتار یا منحرف نامیده می‌شود (ستوده، ۱۳۸۰: ۳۶). انحراف اجتماعی به هر رفتاری گفته می‌شود که فرد برخلاف هنجارها و فرم‌های اجتماعی انجام می‌دهد و کارکرد وی را مختل می‌کند و به تبع آن، بر کارکرد خانواده و جامعه تأثیر می‌گذارد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۴).

منظور از ناهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان، مجموعه قواعد اجتماعی در محیط مدرسه و بیرون از مدرسه است که دانش‌آموزان باید آنها را رعایت کنند و رعایت نکردن آنها با عکس‌العمل نمایندگان نظارت اجتماعی مواجه می‌شود (سخاوت، ۱۳۷۷: ۵). باتوجه به اهداف کلان آموزش و پرورش، ناهنجاری از سه هدف تربیتی، انضباطی و آموزشی مشتق می‌شود؛ بنابراین، سه بعد: ۱- ناهنجاری‌های مربوط به برنامه‌های تربیتی، ۲- ناهنجاری‌های مربوط به نظم و مقررات و ۳- ناهنجاری‌های مربوط به آموزش و کلاس درس بوده را در بر دارد.

انسان در فرایند جامعه‌پذیری از طریق کنش‌های متقابل با دیگران، تجربه کسب می‌کند و ازجمله مهم‌ترین نهادها «مدرسه» است که فرد در نخستین سال‌های زندگی رفتارهای بهنجار و ناهنجار را از طریق آن در خود درونی می‌سازد. مدرسه به دلیل داشتن مکانیزم‌های کنترل اجتماعی و گردهمایی مجموعه گروه همسالان و مشخص‌بودن وظایف و تکالیف افراد، در اجتماعی کردن فرد به‌طور بسزایی نقش دارد.

از نظر کلووارد و اوهلین^[۱] (۱۹۷۶) همه طبقات اجتماعی از نظر فرهنگی هدف‌های اولیه و یکسانی دارند (اهدافی مانند ثروت، موفقیت و امنیت) اما در این میان، این طبقه کارگر و ضعیف اجتماع است که از دسترسی به این غایت‌های مطلوب اجتماعی محروم می‌ماند. آنان همچنین معتقد بودند برخی از گروه‌های متشکل از فرزندان طبقه ضعیف، ساختارهای مجرمانه یا جایگزین فرصت را بر می‌گزینند؛ آن‌هم بدین دلیل که در می‌یابند فرصت‌های در دسترس آنان از ایشان دریغ شده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۸۸).

درباره گرایش به ناهنجاری اجتماعی متغیرهای متعددی بررسی شده‌اند که مطابق آنها عواملی همچون این مسائل بر این موضوع تأثیر دارند: داشتن روابط مطلوب در محیط مدرسه (سخاوت، ۱۳۸۱: ۳۵) تعندهای آموزشی و خانوادگی (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰) تعلق به مدرسه، تعهد و تعلق به خانواده (آقازاده، ۱۳۸۹: ۹۴) تعهد به مدرسه Jenkins: 1997

((345) ضعف تعهد آموزشی (Wing & Heng, 2013: 610 و پایگاه اجتماعی و اقتصادی و دسترسی به منابع و امکانات (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

بررسی موضوع ناهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان به آن دلیل مهم است که مدرسه خود یکی از متولیان اصلی جامعه‌پذیری نیروی انسانی محسوب می‌شود. اگر در این کانون، ناهنجاری و عدول از ارزش‌های جامعه اتفاق افتد، این امر، نخست باعث می‌شود جامعه دیدی بدبینانه به کارکردهای این نهاد داشته باشد؛ به عبارتی جامعه اعتمادش را از دست خواهد داد. در مرحله دوم، به دلیل هنجارپذیری دانش‌آموزان از یکدیگر، چنانچه دانش‌آموزی اعمال خلاف را مرتکب شود، این پدیده در بین سایرین اشاعه خواهد یافت و به تبع آن، فرایند جامعه‌پذیری نیز با مشکل مواجه خواهد شد.

دوره نوجوانی دوره‌ای بحرانی است و اگر عوامل مختلف تأثیرگذار نظیر والدین، محیط مدرسه، دوستان و در کل، عوامل اجتماعی محیط مناسبی را برای هویت‌یابی، همانندسازی و جامعه‌پذیری این گروه به وجود نیارد، نوجوان آسیب‌پذیر و برای حرکت به طرف رفتارهای بزهکاری و خرابکاری مستعد خواهد شد. در این هنگام، انجام رفتار بزهکارانه به یک امر عادی تبدیل خواهد شد و قبح آن از بین خواهد رفت (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۴۸). کودکان و نوجوانان، در سنین ۶-۱۸ سالگی به‌طور متوسط ۱۲۰۰۰ ساعت را در مدرسه می‌گذرانند. پس از خانواده، مدارس کانون اصلی زندگی به شمار می‌روند و فعالیت‌های مدارس در زندگی این گروه سنی به‌صورت فعالیت اصلی در می‌آیند. امروزه، از لحاظ تربیتی روشن شده است که مدرسه ساختارهای روانی و شخصیتی دانش‌آموزان را شکل می‌دهد. مدرسه محیطی است که دانش‌آموزان در آنجا شایستگی، شکست، موفقیت، محبوبیت، انزوا، طرد و... را تجربه می‌کنند (عباسی‌اول، ۱۳۹۱: ۳۳) بنابراین، باتوجه به تأثیر بسیار مخرب ناهنجاری‌های اجتماعی بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزان و آسیب‌پذیری بیشتر آنان و اینکه متأسفانه بسیاری از رفتارهای پرخطر از این دوران شروع و تثبیت و به بروز انحرافات اجتماعی منجر می‌شود، در این گروه سنی شناسایی عوامل مستعدکننده و بازدارنده بروز ناهنجاری‌های اجتماعی به شکل ویژه‌ای اهمیت دارد.

عوامل مستعدکننده بروز ناهنجاری‌های اجتماعی:

ویژگی‌های خانوادگی (نظیر خانواده‌های از هم گسیخته شکاف فکری و عاطفی بین والدین و فرزندان، ضعف اخلاقی و بی بند و باری در خانواده‌ها)، دوستان ناباب و فشار گروه همسالان، نداشتن آگاهی نوجوانان در زمینه مهارت‌های زندگی، برخوردهای نامناسب والدین، ویژگی‌های سنی و قرار داشتن در سنین بلوغ (نظیر خودمحوری، استقلال طلبی، سرکشی در مقابل بزرگ‌ترها، اختلال در هویت فردی)، عدم آگاهی والدین از اصول تعلیم و تربیت و مهارت‌های زندگی، در دسترس بودن مواد مخدر، سیگار، تأثیرات منفی برنامه‌ها و محتوای نامناسب در رسانه‌های جمعی که سبب گرایش نوجوانان و جوانان به رفتارهای پرخطر و آسیب‌های اجتماعی می‌شود، برنامه ریزی‌های آموزشی نامناسب و غیر اصولی برای دانش‌آموزان در مدرسه و... از عوامل مستعدکننده بروز آسیب‌های اجتماعی می‌باشد (طباطبایی و آتش‌نفس، ۱۳۹۰)

ترک تحصیل - فرار از مدرسه:

ترک تحصیل روندی است که به مرور زمان شکل می‌گیرد و علایم خطر برای دانش‌آموزانی که در معرض ترک تحصیل قرار دارند از سالهای دبستان به چشم می‌خورد. این افراد که دوباره به مدرسه برمی‌گردند معمولاً تحصیلات دبیرستان خود را از طریق یکی از روشهای جایگزین به پایان می‌رسانند (پوریان، ۱۳۸۳). یکی از آفتهای بزرگ آموزش و پرورش و خانواده‌ها که همه ساله به میزان زیادی امکانات - منابع، و استعدادها بالقوه انسانی و اقتصادی را تلف میکند و تأثیرات غیر قابل جبرانی

در ابعاد فردی و اجتماعی بهجای میگذارد پدیده افت تحصیلی است. ترک تحصیل، تکرار پایه، افت کیفی و اخراج از مدرسه از نمونه های شکست تحصیلی هستند که در بیشتر کشورها نوعی عموعیت دارند. از آنجایی که شکست تحصیلی نتیجه عوامل گوناگون چون جمعیتی، فردی، روشهای آموزشی و برنامه های درسی است بررسی این پدیده مستلزم دقت نظر و ارزیابی ریشه های عوامل متعدد است (خراط زاده، ۱۳۹۲). ترک تحصیل به مفهوم موقعیت دانش آموزانی است که قبل از رسیدن به انتهای یک دوره ی آموزشی، آموزش را رها و آن دوره را ترک می کنند. ترک تحصیل عمدتاً به سه گروه اطلاق می شود: ۱- افرادی که ضمن سال تحصیلی، قبل از فرا رسیدن ایام امتحانات پایانی مدرسه را ترک می کنند و از شرکت در امتحانات پایان سال منصرف می شوند. ۲- افرادی که در امتحانات پایان سال (خرداد و شهریور) مردود و از ادامه تحصیل منصرف می شوند و ۳- افرادی که در امتحانات پایان سال قبول می شوند، ولی از ثبت نام در کلاس بالاتر خودداری می کنند. عوامل مؤثر بر این سه نوع ترک تحصیل ممکن است متفاوت باشد (معیری، ۱۳۷۱). بین ترک تحصیل میان دوره ای و ترک تحصیل پس از اتمام دوره، تمایز قایل می شوند و معتقدند در مرحله ی نهایی هر دوره ی تحصیلی و رفتن به دوره ی بالاتر، ترک تحصیل آن دسته از افرادی که آمادگی شروع وادامه تحصیلات بعدی را ندارند امری طبیعی به شمار می رود. این مسأله لازمه ی توزیع متعادل و حساب شده کودکان و نوجوانان در رشته های تخصصی و انتخابی است. آنچه ضایعه و اتلاف واقعی را پدید می آورد، ترک تحصیل میان دوره ای است که بخشی از نیروهای انسانی یک جامعه نتیجه چند سال سرمایه گذاری را، بدون اخذ نتیجه مستندی از دست می دهند. البته فشار غیر معقول بعضی از والدین نیز برای کسب معدل بالا و نمرات ممتاز ناشی از چشم و هم چشمی موجب دلزدگی دانش آموز از درس و تحصیل می شود (ابهری، ۱۳۸۰). گاهی اطفال و نوجوانان بدون تصمیم قبلی و تحت تاثیر احساسات آنی، تصمیم به فرار از مدرسه و خانه گرفته و بدون هدف و مقصد در شهر سرگردان شده و یا به شهر ونقاط دیگر مسافرت میکنند و چون در خیابان ها پرسه می زنند، فوری جلب توجه نموده و توسط مامورین انتظامی دستگیر می شوند. فرار از مدرسه با غیبت های مکرر غیر موجه و یا به طور غیر مترقبه انجام می گیرد. غیبت ممکن است به دلیل اتفاقی از قبیل، انجام ندادن تکالیف، تماشای صحنه هایی در سر راه مدرسه و یا ملاقات با دوستان باشد. از این رو مراقبت والدین و مسئولان مدرسه در بررسی غیبت و تاخیر ورود دانش آموزان در عادت دادن آنان به نظم و مقررات بسیار حائز اهمیت است. اطفال ناز پرورده نیز که دایم در مراقبت و نظارت شدیدی قرار دارند برای کسب کسب آزادی و استقلال از خانه و مدرسه فرار می کنند. همچنین تبعیض و بی عدالتی در دادن نمره به دانش آموزان، توبیخ بی مورد و غیر منطقی، تحقیر در حضور دیگر شاگردان، توقعات بی جای مدرسه بدون توجه به امکانات مالی والدین و قدرت جسمی و میزان هوش دانش آموزان، سبب انزجار از ادامه تحصیل در آنها می شود (دانش، ۱۳۷۴). پژوهشی که بین سالهای ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۴ در چهار استان محروم کشور انجام شد نقشی را که عوامل درون و برون مدرسه در دسترسی دختران به آموزش ابتدایی دارد، مورد مطالعه قرار داده و عوامل بازدارنده را به صورت عوامل فرهنگی، اقتصادی و آموزشی طبقه بندی کرده است (مهران، ۱۳۷۵). نابرابری های آموزشی در جامعه نیز می تواند یکی دیگر از دلایل ترک تحصیل باشد. پس از تحقیق و مطالعه ای در شش استان کشور، به این نتیجه رسیده اند که در زمینه دستیابی برابر به فرصت های آموزشی بین دختران و پسران تفاوت وجود دارد و این تفاوت با محرومیت بیشتر دختران در مقایسه با پسران همراه است، این محقق نتیجه می گیرد که عوامل فرهنگی و اقتصادی بیرون از مدرسه، به میزان بیشتری موجب محرومیت دختران از آموزش در دوره عمومی میشود (دانش، ۱۳۸۰).

اعتیاد به مواد مخدر و الکل:

اعتیاد یکی از آسیب های اجتماعی است که سلامت فرد و جامعه را به خطر می اندازد، موجب انحطاط روانی و اخلاقی افراد را فراهم می آورد. حالت پرخاشگری به افراد می دهد و حتی در مواردی فرد را به دیوانه ای خطرناک تبدیل میکند طوری که ممکن است خود و دیگران را بکشد. امروزه اعتیاد بیش از پیش به مشکلی بزرگ در جوامع بشری تبدیل شده است. زیرا مخلوط کردن مواد مخدر با مواد خطرناک دیگر و استفاده از آنها سیستم مغزی، فکری، ذهنی و عقلی فرد معتاد را متلاشی می کند. (سلیمی، ۱۳۹۰). درسنوات اخیر بر اثر پیشرفت صنایع شیمیایی و تبلیغات گسترده عاملان و تهیه کنندگان مواد افیونی در سطح جهانی، بسیاری از جوانان و نوجوانان عصر حاضر به ورطه اعتیاد و تباهی سوق داده شده اند. قرص های روان گردان "اکستازی" به دلیل ارزانی قیمت و سهولت دسترسی به کلکسیون مواد مخدر اضافه شده است (صلاحی، ۱۳۸۸). مواد مخدر در ابتدا دوست داشتنی و عاقبتش جهنمی است که همه را می سوزاند. وقتی فرد به مواد آلوده شود سیستم بدن او عادت کند، نیاز بیشتری به مواد مخدر پیدا میکند و آن وقت دیگر هیچ چیز وهیچ کس را نمیشناسد، به راحتی اهانت میکند، به راحتی از خانه فرار می کند، خانواده را در مرحله بعد از اعتیاد قرار می دهد (سلیمی، ۱۳۹۰). کودکان وابسته به والدین معتاد یا اصطلاحاً "بچه های اعتیاد" کودکانی هستند که در محیط پرورش خود با پدر و مادر یا یکی از اعضای معتاد خانواده همزیستی دارند. این کودکان در دایره ای بیمار و ناهنجار گرفتار آمده و در آن نشو و نما می یابند. اگر والدین معتاد به مصرف نوشابه های الکلی باشند معمولاً نسبت به اعضای خانواده خود احساس مسئولیت نمی کنند. با اعتیاد والدین به مصرف نوشابه های الکلی، مقداری از درآمد خانواده صرف تهیه این مواد شده و در نتیجه اعضای خانواده از تهیه مایحتاج اولیه و ضروری زندگی محروم می شوند. پدر و مادر الکلی حوصله رسیدگی به وضع کودک و تربیت او را نداشته و در نتیجه مستی، محیط خانواده مدام متشنج می گردد و مشاهده حالت اسفناک و تاثرآور مستی پدر و یا مادر اثرات مخربی بر روحیه فرزندان و شرایط تحصیلی باقی می گذارد (ستوده، ۱۳۸۵). تاثیر آلوده شدن به مواد مخدر والکل در نوجوانان و بزرگسالان بیشتر از بزرگسالان است، زیرا آنها همواره در تلاش برای ارضای خواسته های درونی خویشند و مرتب کنجکاو و تجربه می کنند، لذا در این مسیر اگر وضع محیط خانوادگی و اجتماع مناسب نباشد منجر به ارتکاب جرم در آینده از طرف آنان می شود. متأسفانه دسترسی به مواد مخدر و الکل به سادگی از میان نخواهد رفت، از این رو هوشیاری خانواده در تغییر رفتارهای جسمی و روحی فرزندان به عنوان علایم هشدار دهنده در شروع و ابتلای آلوده شدن به مواد اعتیاد آور بسیار قابل توجه است (اسلامی، ۱۳۸۸). زبان ها و خطرات اعتیاد جنبه های متعددی دارد که برای نمونه به مواردی از آن اشاره می نماییم: الف) جنبه فردی، اعتیاد دارای عوارض جسمی و عوارض روانی و در نتیجه کج روی هاست. مانند: اختلال در سازگاری روانی فرد، سلب اراده و ابتکار، اختلال تحصیل، پیدایش حالت جنگ و ستیز با خود و بعد ها با دیگران، ... ب) جنبه اجتماعی، شخص معتاد از ارزش های اجتماعی و اخلاقی دور و تهی است و نمی تواند تابع قانون باشد و... ج) جنبه اقتصادی، معتادها از شغل و کسب و کار خود باز می مانند و ناچار انگل خانواده و اجتماع می شوند. ضمن اینکه هیچ گونه مسئولیتی در برابر هیچ چیز احساس نمی کنند و همیشه دیگران را مسئول رفتار خود میدانند و... (سلیمی، ۱۳۹۰).

در رابطه با تأثیر قوی ویژگی های خانواده بر بروز رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی در نوجوانان در بسیاری تحقیقات مشخص گردیده است که دانش آموزانی که والدینشان مبادرت به انجام رفتارهایی نظیر استعمال دخانیات، مصرف الکل و مواد مخدر میکنند، به میزان بیشتری درگیر رفتارهای پر خطر و آسیب های اجتماعی می شوند (طباطبایی وآتش نفس، ۱۳۹۰). کلینوسکی، (۲۰۰۴).

بر اساس تحقیقات اخیر انجام گرفته، عوامل تاثیرگذار بر توسعه خطر مصرف مواد مخدر و روان گردان ها در میان دانش آموزان به ترتیب عبارتست از: ۱-ارتباط با دوستان و همسالان ناباب. ۲-کاهش کنترل خانوادگی. ۳-آلوده بودن فضای محل زندگی. ۴-کاهش عزت نفس و پایین بودن خود باوری (پژوهشگاه مطالعات وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۳). آسیب شناسی مدرسه:

مدرسه به خاطر تدوین وظایف و حقوق افراد و انتقال ارزشهای اجتماعی با وسایل موثری که برای کنترل اجتماعی در اختیار دارد، یکی از کارگزاران مهم "اجتماعی کردن" فرد تلقی می گردد. بارابارووتون معتقد است که بسیاری از بزهکاران در طول سالهای تحصیل، از مدرسه غیبت غیر موجه می کرده اند و همچنین این احتمال وجود دارد که بخش فوق العاده بزرگی از آنها به خانواده های از هم پاشیده تعلق داشته باشند(ستوده، ۱۳۸۹). کودکان در مدرسه یاد می گیرند که چگونه رفتار اجتماعی داشته باشند و نقش خود را در اجتماع ایفا کنند. مدرسه می تواند رابطه صحیحی با کودک و نوجوان برقرار کرده و او را آماده پذیرش مسئولیت، تصمیم گیری و حل مسایل زندگی سازد (شاهبیاتی، ۱۳۸۵) بعضی از جامعه شناسان معتقدند وجود مدارس، مکمل جدایی بین والدین و فرزندان است. کودکان و نوجوانان حدود ۱۲ سال از زندگی خود را در مدرسه می گذرانند، اکثر تفریحات و سرگرمی های آنها را مدرسه ترتیب می دهد و با گروههای همسالان همراه است. از این رو با خانواده بودن کودکان به حداقل می رسد و در باقی ساعات مانده نیز بسیاری از والدین در پی رهایی فرزند خود از مشکلات خانوادگی و ایجاد محیطی دلپسند برای او هستند (اعزازی، ۱۳۸۹). در حالی که اگر کودکان و نوجوانان در ساعات درس و تحصیل به مدرسه نرفته و در خیابانها سرگردان شوند، کم کم بر اثر سوء معاشرت از راه درست و راست منحرف گردیده و به دسته های ولگرد و بیکاره یا باند های تبهکاری میپیوندند(صلاحی، ۱۳۸۸) محیط نیز از جمله عوامل تأثیرگذار در پیدایش رفتارهای شایسته و یا ناشایست است. اگر در منزل و خانه، کوچه، خیابان و مدرسه، و محیط پیرامون زمینه و شرایط مساعدی برای بزهکاری وجود داشته باشد، فردی را که آمادگی انحراف در او وجود دارد، به سوی جرم و ارتکاب رفتار بزهکارانه سوق می دهد. به گفته یکی از محققان، محیط در شکل گیری شخصیت و منش انسان نقش بسیار تعیین کننده و مؤثری ایفا می کند و رفتار انسان که نشانه ای از شخصیت و منش اوست، تا حد زیادی، ناشی از تربیت اکتسابی از محیط است. بنابراین، محیط آلوده، افراد را آلوده و محیط سالم و با نشاط، زمینه ساز رشد و شکوفایی و شادابی و نشاط افراد است(رونالوس، ۱۳۶۸). یکی از دلایل ناکارآمدی هر سیستم آموزشی، عدم توجه به ابعاد پرورشی خصوصا برای نسل جوان و نوجوان کشور می باشد. توجه صرف به دروس خشک و بی روح و اجبار دانش آموزان به حفظ محفوظاتی که در زندگی روزمره هیچ فایده ای برای آنها ندارند، انعطاف ناپذیری نظام آموزشی، اختلاف سطح مدارس دولتی و غیر دولتی مراکز استان ها و شهرستان ها و روستاها، توزیع ناعادلانه آموزگار و امکانات آموزشی در سطح کشور بیانگر ناکارآمدی سیستم آموزشی و لزوم بازنگری در آن است. آگاهی مربیان و معلمان از اصول بهداشت روانی باعث می شود که کودکان در کلاس تشویق شوند و مشکلات روزمره خود را حل کنند و تصورات خود را در زمینه زندگی اجتماعی به محک آزمایش بگذارند (ابهری، ۱۳۸۰). متناسب نبودن روش ها و امکانات آموزش و پرورش با محتوای برنامه، نیز سبب افت تحصیلی می شود. در نتیجه باید بین معلمان، مشاوران و اولیای دانش آموزان تعامل و هماهنگی و همکاری متقابلی وجود داشته باشد تا روند رسیدگی به آسیب پذیری شاگردان تسهیل شود. باید تدابیری اندیشیده شود که همه خانواده ها به شرکت همیشگی و مداوم در جلسات آموزش خانواده و اولیاء و مربیان ترغیب شده و حضوری پر رنگ داشته باشند. زیرا این جریان در واقع میانبری است به سوی نگرشی نو از رفتار و کردار دانش آموزان که میزان آسیب پذیری آنها را در برابر انواع ناهنجاری های اخلاقی کاهش می دهد (صفری، ۱۳۹۲).

آسیب شناسی گروه همسالان:

دست آفرینش، انسان را به گونه ای آفریده است که گویا الگوپذیری در متن خلقت او نهاده شده است. انسان از شخصیت دیگران متأثر می شود، به سبک دیگران می پوشد، سخن می گوید، راه می رود و خوی و مرام دیگران را به خود می گیرد. قرآن کریم و دین مبین اسلام با در نظر گرفتن این حالت روانی انسان، دست پیش گرفته و سعی می کند با معرفی الگوی مناسب، از این ویژگی انسان در جهت تکامل وی و جلوگیری از افتادن او به دام رذایل و صفات پست اخلاقی و حرکت او به سمت رفتارهای مجرمانه، بهترین بهره برداری را به عمل آورده است. از آن جا که انسان موجودی الگوپذیر و فراموشکار است، همنشینی با ناهلان می تواند فضای مناسبی را برای انحراف، بزه و جرم پیش روی انسان فراهم آورد. بنابراین آموزه اخلاقی در پیشگیری از جرم نقش بسزایی دارد. اگرچه انسان موجودی اجتماعی و ناگزیر از معاشرت با دیگران است، نباید از این واقعیت غفلت کرد که گاه همنشینی و معاشرت با فرومایگان، آدمی را به پرتگاه پستی و خواری می کشاند و به دره تباهی، فرو می اندازد. چراکه انسان های تربیت یافته و نیک رفتار در معاشرت با دیگر افراد تربیت نیافته، همچون پنبه ای در مجاورت آتش و شیشه ای در کنار سنگ هستند (صادقی، صالحی راد، ۱۳۹۰). تأثیرپذیری فرد از دیگران در سنین کودکی و جوانی بیش از زمان های دیگر و سایر مقاطع سنی است. هرچه ارتباط و معاشرت با کج رفتاران نسبت به همنویان بیشتر باشد، به همان میزان احتمال انحراف فرد بیشتر خواهد بود (یان، ۱۳۷۲). معمولاً کودکان متعلق به گروه های همسالان از موقعیت و وضعیت نسبتاً مساوی و روابطی نزدیک برخوردارند. با افزایش نفوذ این گروه، نفوذ والدین رو به کاهش می رود. اکثر نوجوانان ترجیح می دهند اوقات خود را با همسالان خود بگذرانند. عضویت در این گروه برای نخستین بار کودکان را در فرایندی قرار می دهد که بیشترین میزان جامعه پذیری به صورتی ناخودآگاه و بدون هرگونه طرح سنجیده ای در آن انجام پذیرد. گروه همسالان برخلاف خانواده و مدرسه، کاملاً حول محور منافع و علائق اعضا قرار دارد و اعضای این گروه می توانند به جستجوی روابط و موضوع هایی بپردازند که در خانواده و مدرسه با تحریم مواجه است، و به این ترتیب سعی می کنند از نفوذ این دو نهاد مهم بر خود جلوگیری نمایند و نقش ها و هویت های متمایزی را مستقر سازند (ستوده، ۱۳۸۹). در زمینه تأثیر فشار گروه هم سالان بر بروز رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی در نوجوانان، می توان اظهار داشت به دلیل این که نوجوانانی که در یک گروه قرار میگیرند به انجام رفتارهای مشابه تمایل دارند و با عنایت به این نوجوانان زمان زیادی را در مدرسه و خارج از مدرسه با دوستان خود می گذرانند (خصوصاً در زمان تعطیلات) باید بیش از پیش به این عامل مستعدکننده توجه داشت. در همین زمینه تحقیقات بسیاری، تأثیر منفی گروه هم سالان را بر بروز این رفتارها در نوجوانان مشخص کرده اند. رفتارهایی چون عضویت در یک گروه خلاف و خرابکار، گذراندن بیشتر وقت خود با گروه همسالان و احساس نزدیکی با آنان بیش از افراد خانواده، داشتن دوستان ناباب. (صدیق سروستانی ۱۳۸۲) و (طباطبایی و آتش نفس، ۱۳۹۰)، (سرگلزائی، ۱۳۸۰) و (باقریان، ۱۳۸۰)، (حسن زاده، ۱۳۸۰) و (صمدی راد، ۱۳۸۱). ضروری است که والدین هوشمندانه بر انتخاب و گزینش دوستان فرزند خود نظارت دقیق و کافی داشته باشند. دوستی با دانش آموزانی که از نظر درسی بسیار ضعیف هستند یا علاقه ای به تحصیل نداشته و از توانایی های لازم در تعلیم و تربیت نیز برخوردار نیستند به تدریج موجب افت تحصیلی و کاهش علاقه فرزندمان به امر تعلیم و آموزش می شود (صفری، ۱۳۹۲).

نقش معلم در پیشگیری و کنترل آسیب های اجتماعی:

با توجه به هدف تعلیم و تربیت، وظیفه معلم نیز روشن است.. او باید بکوشد که موجود بی تجربه و ناقصی را به سرحد ترقی و کمال برساند و برای زندگی نوین آماده کند. اجتماع همواره رو به تکامل می رود و محیط اجتماعی نسل به نسل پیچیده تر می شود، در نتیجه معلم باید بداند سرنوشت افرادی که به زودی وارد جامعه می شوند به دست او سپرده شده است. او باید بکوشد تا برای جامعه، انسان واقعی بسازد. معلم باید مانند سربازی فداکار در راه خدمت به انسانهایی که به کمک تربیت به اوج تعالی می رسند و بر اثر غفلت و بی توجهی در حضيض پستی و نابخردی سقوط می کنند، تلاش کند. باید مانند یک پزشک، نبض یکایک دانش آموزان را در دست داشته باشد و در راه ریشه کن کردن صفات زشتی که از هر بیماری خطرناک تر است از جان و دل مایه بگذارد تا صفات عالی انسانی را در نهانشان پرورش داده و آنها را به گوهر هنر و فضیلت بیاراید (بهشتی، ۱۳۷۷).

درمیان پاره عوامل تشکیل دهنده ی عامل برنامه درسی، نتایج بدست آمده نشان می دهد که اساسی ترین اشکال در روشهای یاددهی-یادگیری است. عدم تسلط کافی معلم در تدریس و استفاده از روشهای سنتی و حافظه مدار و یک طرفه وعدم توجه به ایجاد فرصت های یادگیری مناسب، تأثیری قاطع بر شکست تحصیلی دارد. عدم ارتباط هدفهای درسی با نیاز ها و علایق دانش آموزان و عدم تناسب با اوایت های جامعه، عدم ارتباط عاطفی صحیح میان معلم و دانش آموز، ضعف تخصصی و دانش تربیتی معلمان و عدم توانایی در جذب و علاقمند ساختن دانش آموز به تحصیل و... عاملی اثرگذار بر ترک تحصیل تلقی می شود (سلسبیلی و قاسمی، ۱۳۸۳). کیفیت و محتوای آموزشی و چگونگی ارائه آن به نوجوانان مهم است و این امر باید با روحیه، مقتضیات سنی و انتظارات آنان هماهنگ باشد. به عبارتی، چنانچه آموزش از آنجا شروع شود که نوجوان میخواهد و به جایی ختم شود، که فرادهندگان می خواهند تأثیر زیادی خواهد داشت. همچنین بهتر است آموزش به نوجوانان در این زمینه به صورت شرح جزئیات و اطلاعات اضافی و غیرضروری، نظیر شناسایی راه های استفاده از مواد یا معرفی جزئیات نباشد. در نهایت، چنانچه آموزش به نوجوانان در زمینه پیش گیری از رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی به روش معقولانه و با تدبیر و برنامه ریزی باشد و حس کنجکاوی آنان به طور صحیح مدیریت شود، راهکاری مفید و مؤثر است (طباطبایی وآتش نفس، ۱۳۹۰). دانش آموزان تحت تأثیر رفتار و گفتار و کردار معلم قرار دارند و کمترین توهین، تحقیر و توبیخی از سوی او را ملکه ذهن خود می کنند (شاهبیاتی، ۱۳۸۵). معلمان بهترین کسانی هستند که می توانند با دشوارترین دانش آموزان ارتباط برقرار سازند. آنان خسته نمی شوند، نمی ترسند و نسبت به دانش آموزانشان توجه همدلانه دایمی دارند، هر چند که خود نیز باید احساس راحتی و امنیت خاطر داشته و صادقانه مورد احترام و توجه باشند (طباطبایی وآتش نفس، ۱۳۹۰).

بحث و نتیجه گیری:

نقش آموزش و پرورش به دلیل سرمایه های عظیمی (دانش آموزان) که در اختیار دارد برای به فعل در آمدن پتانسیل های بالقوه آنها بسیار حائز اهمیت است. البته نقش و تأثیر همسالان و خانواده به عنوان نهادهایی که کودک و نوجوان با آنها نیز در تماس است را همواره مد نظر قرار داد. غافل شدن خانواده ها از فرزندان، خانواده های از هم گسیخته و آشفته و والدین معتاد به مواد مخدر و الکل و والدینی که در خانه به هر دلیل موجه و غیر موجه ای بین فرزندان خود ناعادلانه تبعیض روا می دارند، ارتباط با دوستان ناباب، مانند عدم توجه به جلسات اولیاءومربیان، معلمان آموزش ندیده در زمینه بهداشت روانی کودکان

ونوجوانان و... . ناخودآگاه موجب نگرانی و فشار روحی آنها شده و سبب آسیب های اجتماعی در دانش آموزان می گردد. با مرور بر نتایجی که در زمینه شکست تحصیلی و عوامل موثر در آن مطرح شده چند نتیجه گیری اساسی را برای مقابله با شکست تحصیلی و کاهش آن می توان مطرح کرد: ۱- اهمیت شناسایی دانش آموزان در مرحله خطر. ۲- توجه به زمینه ها و دلایل متفاوت شکست تحصیلی بین دو گروه کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه یا فقیر ۳- توجه به شکست تحصیلی، پدیده ای متأثر از عوامل گوناگون، و ضرورت یکپارچگی مجموعه فعالیت های اثر گذار جهت مقابله با آن ۴- فراگیر بودن اقدامات مقابله با شکست تحصیلی در تمام دوره های تحصیلی.. (سلسبیلی و قاسمی، ۱۳۸۳). از سوی دیگر، نا آگاهی در زمینه مهارت های زندگی و مقابله با فشارها و شکست ها به روش صحیح، استفاده از استراتژی های تطابقی نامطلوب، متعاقب وقوع حوادث منفی و ناگوار زندگی با افزایش بروز رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی در نوجوانان همراه است (سرگلزایی، ۱۳۸۰) (طباطبایی وآتش نفس، ۱۳۹۰) (برزگری، ۱۳۸۰). در حالی که آموزش مهارت های زندگی با کاهش رفتارهای تکانشی و افزایش سلامت روانی و عزت نفس نوجوانان می تواند سبب کاهش بروز رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی در آنان شود (پور شریفی و همکاران، ۱۳۸۵) (حقیقی و همکاران، ۱۳۸۵) (طباطبایی وآتش نفس، ۱۳۹۰). راهکارهای پیش گیری و کنترل از آسیب ها از دید مشاوران مدارس : ایجاد و برقراری ارتباطات مناسب و صمیمانه تر بین والدین و فرزندان (نظیر درک بیشتر فرزندان، احترام به شخصیت و عقاید آنان و دادن آزادی منطقی به آنها و... .)، آموزش مهارت های زندگی و اجتماعی به والدین و نوجوانان، توجه به تربیت دینی و افزایش ایمان و دین باوری در نوجوانان از جمله این راهکارهاست در همین رابطه در بسیاری از تحقیقات انجام شده مشخص گردیده است که عملکرد مطلوب والدین آثار حفاظتی کوتاه مدت و بلند مدت را پیشگیری از رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی در نوجوانان در بر دارد و وجود ارتباط باز و با کیفیت بالا بین نوجوانان و والدین و بررسی و کنترل فعالیت های نوجوانان در پیش گیری از این آسیب ها موثر است. به عبارتی روش مقتدرانه تربیتی توسط والدین عموماً برای نوجوانان خواهد بود (طباطبایی وآتش نفس، ۱۳۹۰). رفتار والدی موثر نظیر کنترل و نظارت بر فعالیت های نوجوانان، صحبت کردن راجع به رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی ناشی از آن و برقراری ارتباط خوب و مناسب با نوجوانان نظیر ملائمت و گرمی والدین به دلیل افزایش اعتماد به نفس در نوجوانان سبب پیش گیری از رفتارهای نظیر مصرف الکل و مواد مخدر نظیر ماری جوانا و استعمال دخانیات می شود و اثر حفاظتی دارد (طباطبایی وآتش نفس، ۱۳۹۰). اکثر افراد معتقدند که آموزش به هر دو گروه هم والدین و هم نوجوان، همگام با هم موثرتر و اثربخش تر خواهد بود. بنا به دلایل زیر مشاوران با آموزش همگام نوجوانان و والدین در زمینه پیشگیری و کنترل رفتارهای پر خطر و آسیب های اجتماعی موافق بودند: در صورت عدم آموزش به نوجوانان، در مواجهه با موقعیت های آسیب زا وی نمی داند که با این معضلات چگونه برخورد کند- ممکن است نوجوان در جمع های دوستانه خود در این موارد با هم صحبت کنند و اطلاعات غلطی را به یکدیگر انتقال دهند یا از سایر منابع اطلاعات ناقصی و ناکاملی را دریافت کنند، پس بهتر است آنان نیز همگام با خانواده آموزش ببینند. -نوجوانان بسیار کنجکاو هستند و سوالات فراوانی در ذهن دارند و به دنبال پاسخ آن هستند. اگر این آموزشها از جانب فردی آگاه و دلسوز انجام شود، دیگر به سراغ دوستان و افراد دیگر نمیروند که پاسخ نادرست و نامناسب دریافت کنند. -بسیاری از چیزها را نوجوان باید به صورت مستقیم بشناسد-آموزش از آنجا شروع شود که نوجوان می خواهد و به آنجا ختم شود که فرادهندگان می خواهند، تاثیر زیادی خواهد داشت (طباطبایی وآتش نفس، ۱۳۹۰). نهایت اینکه خانواده، معلم و مدرسه هر کدام باید مانند پناهگاهی باشند که فرزندان ما در آن آرامش می گیرند و اضطراب ها و دلتنگی های خود را

از یاد می برند و رها از غم و غصه هایی که به هر دلیل بر قلب پاکشان تحمیل شده راه سعادت را با کسب تحصیلات عالیه طی نمایند.

پیشنهادهای

- تقویت ارزشهای دینی دانش آموزان .
- فراهم نمودن آموزش های قبل از خدمت و ضمن خدمت برای معلمان، توجه به حضور موثر و تاثیرگذار معلمان متخصص در مدرسه، ارتقای تخصصی، حرفه ای و تربیتی معلمان، گزینش دقیق و جذب و نگهداری معلمان متخصص، باسواد و حرفه ای -شناسایی سطح علمی-تخصصی معلمان، استقرار یک نظام ارزشیابی مستمر از عملکرد معلمان.
- توجه بیشتر به آموزشهای فنی و حرفه ای در دوره متوسطه، اکتشاف زمینه های حرفه ای مورد علاقه ی دانش آموزان با عملکرد تحصیلی پایین تر .
- توجه بیشتر و برقراری ارتباط بین دوره متوسطه اول و دوم با مراکز فنی و حرفه ای جهت غنی تر کردن اوقات فراغت و کشف استعدادها و پرورش خلاقیت دانش آموزان
- اصلاح و تحول در مدیریت مدرسه، کادر بندی اصولی اعضای آموزشی مدرسه، داشتن نقش آموزشی و موسسه ای مورد احترام جامعه .
- بهبود فضا و جو مدرسه در جهت کاهش غیبت از مدرسه، ایجاد تنوع و جاذبه در محل یادگیری
- پیگیری مستمر غیبتهای غیر موجه دانش آموزان توسط مدرسه و خانواده وارجاع به مشاور
- ارائه مشاوره فردی وگروهی به خانواده هاودانش آموزان توسط مشاور
- غنی تر کردن امکانات آموزشی در مدارس وآموزش استفاده صحیح از آن برای معلمان و دانش آموزان .
- ایجاد تسهیلات گوناگون برای مدرسه از جمله :رفت و آمد و دسترسی به مدرسه، آگاه سازی دانش آموز از اهمیت تحصیل و تاثیر آن در زندگی آینده
- تدوین در نظام طراحی و تدوین برنامه های درسی در راستای توجه به فرصت های یادگیری به جای کتاب مداری و محتوا مداری .
- بهبود کیفیت برنامه های هدایت و راهنمایی تحصیلی، افزایش برنامه های مکمل و فوق برنامه در مدرسه و حتی در زمان اوقات فراغت دانش آموزان .
- توسعه فضاهای آموزشی بر اساس معیارهای قابل قبول و با توجه به شرایط زیست -محیطی
- مشارکت دانش آموزان در اجرای برنامه های ملی، مذهبی، ورزشی و علمی و دادن مسئولیت و پذیرش نقش به آنها در انجام چنین وظایفی
- توجه به استعدادها و خلاقیت و توانمندی دانش آموزان
- ارتباط بیشتر بین معلمان و دانش آموزان و اولیاء با مشاوران مدرسه
- با توجه به الگو بودن معلمان برای دانش آموزان، معلمان باید به وظایف تربیتی و پرورشی خود اشراف کامل داشته باشد .
- تجهیز کتابخانه ها و ترویج فرهنگ کتاب خوانی در دانش آموزان .
- اجباری کردن دوره های مهارت زندگی برای معلمان واولیا ودانش آموزان متناسب با سن ودوره تحصیلی آنان .

-بکارگیری روشهای نوین تدریس توسط معلمان

-برگزاری دوره های تامین بهداشت روانی دانش آموزان برای معلمان و اولیاء .

منابع:

۱. آتش نفس، الهه، طباطبایی، سیدموسی. (۱۳۹۰). دو نیمه آسیب ها(بررسی عوامل مستع کننده و بازدارنده بروز آسیب های اجتماعی در دانش آموزان)، رشد، دوره ۶
۲. اعزازی، شهلا(۱۳۸۹). جامعه شناسی خانواده، انتشارات روشنگران ومطالعات زنان تهران
۳. ابهری، مجید(۱۳۸۰). علل وعوامل بروز آسیب های اجتماعی و راهکارهای مقابله با آن، انتشارت پشوتن دانشگاه تهران
۴. اسلامی اندارگلی، عنایت(۱۳۸۸). شناخت خانواده در مورد راههای پیشگیری و مقابله با اعتیاد در نوجوانان و جوانان، نشریه روان شناسی وعلوم تربیتی اصلاح، شماره ۱۹
۵. باقریان، اکبر(۱۳۸۰). نقش گروه دوستان، همسالان و محل سکونت در گرایش به مواد مخدر، خلاصه مقاله سمینار علل فرهنگی واجتماعی گرایش جوانان به مواد مخدر
۶. برزگری، علی محمد(۱۳۸۰). بررسی نقش گروه همسالان، دوستان مدرسه ومحل سکونت در گرایش به مواد مخدر، خلاصه مقاله سمینار علل فرهنگی واجتماعی گرایش جوانان به مواد مخدر
۷. بهشتی، احمد(۱۳۸۷). تربیت کودک درجهان امروز، موسسه بوستان کتاب قم
۸. سخاوت، ج (۱۳۷۷). *جامعه‌شناسی/انحرافات/اجتماعی*، تهران: پیام نور .
۹. سخاوت، ج (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان استان لرستان»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، س ۴، ش ۲، ص ۵۵-۶۷
۱۰. فتح‌اللهی، س (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری و میزان شیوع آن در بین دانش‌آموزان «فصلنامه پژوهش‌های اطلاعاتی و جنایی، س ۷، ش ۳، ص ۸۸-۶۱ .
۱۱. جمشیدی، ا (۱۳۸۰). بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر خرابکاری اموال عمومی به دست دانش آموزان شهر تهران، تهران: شورای تحقیقات اداره آموزش و پرورش تهران.